

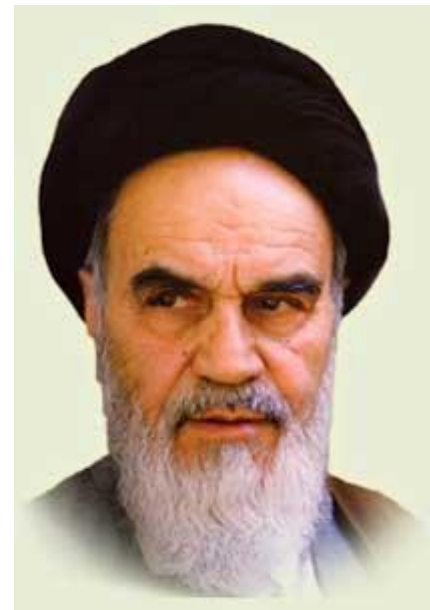
استاذ الحرم الجامعي



صلوات خاصہ حضرت امام رضا علیہ السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى
الْإِمَامِ النَّقِيِّ النَّقِيِّ وَجَحَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ
وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرًا
ثَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَارَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ





«مسلمین ، آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود.
تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود. معنویات آنها بالاترین
معنویت‌ها بود. رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود.
توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود. سیطره
حکومتشان بر دنیا غالب شده بود..»

(امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۷۵)



«ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱.۰۷.۲۳)

مرزهای جهان اسلام در سده دوم هجری



تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

علل و عوامل

شکوفایی تمدن اسلامی

((فصل اول))

علل شکوفایی تمدن اسلامی

* الف : علل اعتقادی، فرهنگی

* ب : نقش حکومت‌های اسلامی

* ج : نقش خاندان‌ها و وزرای دانشمند

* د : تأثیر فرهنگ و تمدن‌های پیشین

* ه : مراکز علمی در تمدن اسلامی

فصل اول :

مقدمه ؛

رهاوردهای مهم اسلام در حیات بشری، پایه گذاری تمدن باشکوهی بود که در برهه‌ای از تاریخ، بسیاری از سرزمین‌ها را زیر نفوذ داشت و از حلقه‌های درخشان تمدن بشری به شمار می‌رفت که از آن با عنوان «تمدن اسلامی» یاد می‌شود.

همانطور که گفتیم تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی عبارت است، «تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد».

فصل اول :

عناصر اصلی شکل دهند تمدن اسلامی

تمدن اسلامی را به طور کلی می توان حاصل دو عنصر مهم دانست :

عنصر اول: ماهیت اسلامی.

در واقع همان عنصر معنوی، هدایت الهی، دین، ایدئولوژی و ... است که مایه اصل تمدن اسلامی را تشکیل می دهد. **نگرش توحیدی به آفرینش** (خدا، جهان) و **انسان**، با همه نیاز های طبیعی، فطری و غریزی او، طبیعی و بودن، **عقلانی بودن** شفاف و واضح بودن دین، **توجه فوق العاده به علم و عالم و تفکر و اندیشه**، عنایت خاص به **آزادی فکر و عقیده و بیان**، اهمیت به کار و تلاش و کوشش، **جامعیت و جهان شمولی** و مطابقت داشتن با زمان و توجه به عنصر زمان و مکان. همه این ها موجب شد تمدنی بزرگ به سرعتی باور نکردنی بخش وسیعی از جهان آن رو را فرا بگیرد.

فصل اول :

عنصر دوم: عملکرد و رفتار مسلمانان.

دومین عنصر مهم در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی همانا عبارت است از عملکرد و سیره رفتاری مسلمانان اعم از حکام، دانشمندان، نظامیان، بازرگانان و سایر مومنین که در طول تاریخ تمدن اسلامی بهترین نقش را در رشد و شکوفایی تمدن اسلام بازی کرده اند. **عملکرد و سیره رفتاری مسلمانان خود به دو دسته تقسیم می شود:**

فصل اول :

الف؛ سیره اعتقادی و فرهنگی:

امور مهمی مانند ایمان بازدارنده قوی، ثبات قدم، اخلاص در عمل، کنجکاوی، غیرت و حمیت دینی، شجاعت و ایثارگری، مردم داری، تساهل و خوش رفتاری و غیره. غلامحسین زرین کوب در باره نقش دین و اعتقادان مسلمانان در تمدن اسلامی می گوید: «آنچه این تمدن [تمدن اسلام] را جهانی کرده است در واقع نیروی شوق و اراده کسانی است که خود از هر قوم و ملتی که بوده اند بهر حال منادی اسلام بوده اند و تعلیم آن. بدینگونه، مایه اصلی این معجون که تمدن و فرهنگ اسلامی خوانده می شود، در واقع اسلام بود که انسانی بود و الهی - نه شرقی و نه غربی. جامعه اسلامی هم که وارث این تمدن عظیم بود، جامعه یی بود متجانس که مرکز آن قرآن بود، نه شام و نه عراق. در سراسر آن یک قانون اساسی وجود داشت: قرآن که در قلمرو آن نه مرزی موجود بود نه نژادی، نه شرقی در کار بود نه غربی»

فصل اول :

ب؛ برخورد عملی و اجتماعی:

رفتار عملی مسلمانان در **کسب علم و دانش**، کوشش و تلاش شبانه روزی در جهت ایجاد رفاه و آسایش در کشور، مقابله با ظلم جور و تجاوز، رعایت **عدالت و پاکدامنی**، پذیرش و **احترام به دانشمندان و بزرگان** سایر ادیان و ملت‌ها، **راه اندازی** دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد جامع و **خانقاه‌ها**، شرکت در جهاد و مبارزه و جنگ و دهها اقدام عملی دیگر.

فصل اول :

جرجی زیدان درباره تأثیر این دو عنصر مهم می‌نویسد: «چه کسی می‌تواند منکر تأثیر دادگستری و پرهیزکاری و خوش رفتاری مسلمانان باشد؟ و چه کسی می‌تواند منکر شود که بزرگان اسلام در آغاز کار داری این صفات نبودند؟ رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسلمانان در می‌آمدند، از دوزخ جور و ظلم به بهشت عدل و انصاف انتقال می‌یافتند و هر گاه که سپاهیان اسلام برای کشورگشایی از پایتخت خود (مدینه) بیرون می‌آمدند، توشه راهشان پند و اندرز بزرگان در باره خوش رفتاری با زیر دستان بود.»

فصل اول :

تمدن اسلامی دو جنبه دارد

تمدن اسلامی را بطور کلی می‌توان حاصل دو جنبه دانست:

یک؛ جنبه درونی: جنبه درونی تمدن اسلامی آن مربوط به عوامل

درونی مسلمانان است که در پرتو ابتکار آنان گسترش یافت که در واقع منشأ این جنبه از تمدن اسلامی، قرآن و سنت بوده است .

دوم ؛ جنبه بیرونی: جنبه دیگر تمدن اسلامی، ناشی از عوامل بیرونی

مانند میراث به جای مانده از تمدن‌های پیشین در قلمرو اسلام و حتی خارج از آن بوده است که به دست مسلمانان توسعه و تکامل یافت و به رنگ اسلام درآمد.

فصل اول :

بنابر این تمدن اسلامی میراث مشترک مردم و ملت‌هایی است که
روزگاری اسلام در سرزمین آنها نفوذ کرده و در ساخت و
شکوفایی تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. به این ترتیب، تمدن
اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدنی ملی است که به
مردم خاصی تعلق داشته باشد، بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی
را که در پیدایش، رونق و طراوت و گسترش آن نقش داشته‌اند،
در برمی‌گیرد.

فصل اول :

علل شکوفایی تمدن اسلامی

نخست ؛ علل اعتقادی، فرهنگی شکوفایی تمدن اسلامی (ذاتی)

در پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی علل و عوامل مختلفی نقش داشتند که پرداختن به همه آنها کاری بس دشوار و خارج از حوصله بحث ماست. **آیین اسلام مهم‌ترین قوه محرکه تمدن اسلامی بوده و هنوز هم یکی از عوامل اساسی این تمدن است و شالوده‌ای لایتغیر بدان داده است.** لذا به برخی از مهم‌ترین آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

فصل اول :

توصیه قرآن و سنت: بی تردید قرآن و تعالیم پیامبر (ص) مهم ترین عامل توجه مسلمین به کسب علم و دانش بود. نخستین آیه ای که بر پیامبر نازل شد نیز تاکید بر همین امر داشت: «**بخوان به نام پروردگارت**» اگر قرآن را به دقت بخوانیم برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات را در علم و دانش او می داند.

وجوب طلب علم: دعوت اسلام به ایمان همراه با آگاهی و شناخت بود. هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند و در این نظام کسب آگاهی و شناخت بر هر مسلمان به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتهادی به اندازه توانایی عقلی او واجب است.

فصل اول :

احترام به دانشمندان: اهمیتی که دین اسلام به عالمان و دانشمندان داده است بسیار روشن است. اگر آیات الهی و سخنان پیامبر و ائمه را در تکریم دانشمندان گرد آوریم صفحات چندین جلد کتاب را پر خواهد نمود. همین تعالیم والا بود که جامعه اسلامی را از بزرگ و کوچک به سوی طلب علم و آگاهی سوق داد. بعضی احادیث رسول اکرم (ص) که به اسناد مختلف نقل می شد حاکی از بزرگداشت علم و علماء بود. **از دیدگاه امام علی (ع) پاداش عالم نزد خداوند از پاداش روزه دار نماز شب خوان که در راه دین جهاد نماید، بیشتر است و امام صادق (ع) عالمان را میراث داران پیامبران معرفی نموده است. با توجه به این مطالب مسلمین دین، علم و اخلاق را ملاک بزرگی اشخاص می دانستند و در این فرایند رنگ و نژاد و ملیت نقشی نداشت.**

فصل اول :

تلاش و سخت‌کوشی علماء:

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ترویج بازار علم، مداومت و خستگی‌ناپذیری علماء مسلمان بود و این به علت آن است که اسلام کسب علم را از هر منبع و در هر حال، از گهواره تا گور، توصیه کرده است، لذا پژوهشگران مسلمان برای دسترسی به یک عالم یا حل یک معضل علمی یا فلسفی از هیچ کوششی مضایقه نمی‌کردند. نه شرایط محیط باعث ترک تفحصات علمی می‌شد و نه کهولت و رنجوری باعث توقف آن.

فصل اول :

مسعودی (۳۴۵ هجری قمری) که از بزرگترین مورخان و جغرافی‌دانان اسلام و متولد بغداد است به سوریه، فلسطین، عربستان، ایران، آسیای مرکزی و هند و غیره سفر کرد و حتی تا دریای چین رفت و سپس حاصل مسافرت‌های خود را در مجموعه‌ای فراهم آورد که پس از دو بار تلخیص به صورت **مروج الذهب دو جلدی** درآمد. او درباره شهرهایی که دیده از لحاظ جغرافیایی، گیاهی، حیوانی و تاریخی سخن رانده و عادات و ادیان و علوم و فلسفه مردم آن سرزمین‌ها را شرح داده است.

فصل اول :

او از منابع و میراث مکتوب ملل جهان، مانند هندیان، ایرانیان، چینیان، رومیان، یونانیان، اعراب، عبریان، سریانی‌ها، و مصری‌ها به زبان‌های مختلف استفاده کرده است، چه منابعی که خود در ضمن سفرهای طولانی و مستمرش در کشورهای مختلف و قلمرو پهناور اسلام یا سرزمین‌های دیگر، یافته بود، همگی را مورد استفاده قرار داد.

او خود در این باره می‌نویسد: «اگر در این مورد کوتاهی شده یا غفلی شده عذر می‌طلبم که خاطر ما به سفر و بادیه نوردی به دریا و خشکی مشغول بود که بدایع ملل را به مشاهده و اختصاصات اقالیم را به معاینه توانیم دانست و سیر من در آفاق چون سیر خورشید در سواحل اشراق بود.»

فصل اول :

دوم ؛ نقش حکومت‌های اسلامی: امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) ضمن بیان یک رشته سخنان پرارزش، توسعه علم و دانش و گسترش و بسط فرهنگ را از وظایف حکومت اسلامی دانسته می‌فرماید: «ای مردم من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی، اما حق شما بر من این است که همواره شما را اندرز و نصیحت کنم و خیرخواهتان باشم و سرمایه‌های مالی و حقوقی‌تان را زیاده‌تر کنم و برای آنکه در جهل و نادانی نمانید و در مقام عمل خوشرفتار و مودب باشید نسبت به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت شما قیام کنم»

فصل اول :

حکومت‌های اسلامی به دلایل مختلف علاقه‌مند بودند امور رعایا را در مسیر طبیعی و صحیح قرار دهند. لذا تا حدود زیادی امور تعلیمات را به دست گرفتند. فرزندان اقشار مختلف در مقابل مبلغی اندک در مدارس مشغول تحصیل بودند. اکثر معلمین توسط حکام به کار گرفته می‌شدند و در برخی موارد آموزش رایگان بود. رقابت حکام در حمایت و جذب علما نیز در بالا بردن علم و دانش نقش زیادی داشت.

شهید مطهری می‌نویسد: «پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملل گوناگون در زیر یک پرچم به نام پرچم اسلام تمدنی عظیم و شکوهمند و بسیار کم نظیر به وجود آمد که جامعه شناسی و تاریخ، آن را به نام «تمدن اسلامی» می‌شناسد»]

فصل اول :

سوم ؛ نقش خاندان‌ها و وزرای دانشمندان

از عوامل دیگر در توسعه علوم و تمدن اسلامی، خاندان‌ها و شخصیت‌های برجسته دانش‌دوست بودند. از این خاندان‌ها می‌توان خاندان‌های **برمکی**، **نوبختی**، **بلعمی**، **موسی بن شاکر**، **خوارزمی**، **جیهانی** و... را نام برد. همچنین برخی از **وزرای** برجسته همچون **ابن عمید**، **صاحب بن عباد**، **ابن سینا**، **خواجه نظام‌الملک**، **خواجه نصیر طوسی** (متوفی ۶۷۲) در فراهم کردن زمینه‌های توسعه علوم در تمدن اسلامی تلاش کردند.

فصل اول :

بطور مثال سامانیان از جمله حکومت‌هایی بودند که اوج قدرت آنان در عهد شکوفایی تمدن اسلامی بود و وزرای دانش دوست زیادی داشتند. ثعالبی در این باره می‌نویسد: «امیران سامانی بزرگانی اندیشمند و با تجربه را گردآورده و برای آنان مواجب نیکو و صله‌های فراوان مقرر داشته بودند تا از رای و اندیشه ایشان در مشکلات و مسائل و پیشامدها استفاده کنند.»

فصل اول :

وزرای آل بویه نیز در رشد علوم در تمدن اسلامی مؤثر بودند. **صاحب بن عباد** (۳۵۸-۳۲۶ هـ) وزیر قدرتمند **مؤیدالدوله** و **فخرالدوله** دیلمی از وزرای مشوق علم و فرهنگ و تمدن و ادب بود استاد صاحب بن عباد، در امر وزارت ابن عمید بود امرای آل بویه به درایت صاحب در اداره امور احتیاج داشتند و وی در سه مرحله وزارت آن خاندان را به عهده داشت. اقدامات صاحب بن عباد باعث آبادانی شهرها، امنیت راهها و رشد تجارت می شد از برکت وجود صاحب بازار فضل و دانش رونق یافت .

فصل اول :

از دیگر وزرای قدرتمند ایرانی مؤثر بر رشد تمدن اسلامی باید از **خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵ ق)** یاد کرد، خواجه نظام‌الملک در عهد **آلب ارسلان و ملک‌شاه** و در دوران عظمت حکومت **سلجوقیان** وزارت آنان را بر عهده داشت وی نیز در سمت وزارت مشوق دانشمندان بود خواجه نظام‌الملک برای توسعه علم و فرهنگ در شهرهای بزرگ تحت سیطره سلاجقه، نظامیه‌ها را که در حکم دانشگاه‌های بزرگ امروزی بود تأسیس نمود. شهرهای مرو، بلخ، اصفهان، نیشابور و بغداد به همت خواجه صاحب نظامیه‌هایی بزرگ شدند.

فصل اول :

چهارم ؛ تأثیر فرهنگ و تمدن های پیشین

یکی از مهمترین از عوامل تأثیرپذیر در پیدایش تمدن اسلامی،

تمدن هائی بود که با گسترش قلمرو فتوحات به قلمرو اسلامی

پیوستند. پنج مرکز عمده تمدنی که مسلمانان از آنها متأثر

شده اند عبارتند بودند از: ایران، مصر (اسکندریه) ، شام

(سوریه) ، هند و یونان.

فصل اول :

به مدد فتوحات جهادگران مسلمان، کانون های متفرق تمدنی یمن، بین النهرین، ایران، شام، مصر، اندلس و سایر تمدن ها به هم نزدیک شدند. در پی این ارتباط نزدیک و رویارویی سرنوشت ساز، تمدن اسلامی به مفهوم کامل خود شکل گرفت.

فرهنگ تمدن اسلامی در کمترین زمان ممکن، وارث تمدن ها و فرهنگ های قدیم شرق و غرب شد. در این میراث بَری **نه مقلد** صرف فرهنگ های پیشین شد و **نه ادامه دهنده محض** آنها، بلکه با ترکیب آثار و عناصر فرهنگ و تمدن های مختلف به وسیله آموزه های قرآنی و سنت نبوی، به رفع نواقص این تمدن ها پرداخت و به سوی تشکیل فرهنگی جهانی گام برداشت.

الف - تمدن ایرانی : ایران از جمله مراکزی است که قبل از ظهور اسلام

دارای تمدن قابل توجهی بود. ایرانیان تا این زمان در علوم مختلف مانند

موسیقی، طب و ریاضیات بر اثر ارتباط با مشرق و مغرب و مللی مانند

هندوان و بابلیان و ملل آسیای صغیر به پیشرفت‌هایی نائل شده بودند.

در عصر ساسانی ریاضیات و نجوم از علوم مورد توجه بوده و وجود

زیج‌هایی که مورد استفاده منجمین اسلامی قرار می‌گرفت، پیشرفت

ایرانیان در این زمینه را روشن می‌کند. علاوه بر آن کتابخانه‌هایی

مشمول بر کتب مختلف پهلوی و یونانی وجود داشت. بعضی از این

کتاب‌ها را ابن مقفع و پسر او محمد به عربی ترجمه کردند.

فصل اول :

ارتباط تمدن ایرانی و اسلامی

الف. ارتباط و تعامل قبل از عصر فتوحات

ایرانیها به دلیل هم مرز بودن با اعراب وجود برخی قبایل و حکومت های محلی عربی در جغرافیای سیاسی آنان و قرائب مذهبی - دینی خیلی سریع تر از دیگر ملتها به ایدئولوژی جدید پاسخ مثبت دادند به طور مثال: از همان ابتدای اسلام، ایرانیان مقیم یمن به رهبری باذان و شهر بن باذان موجب تقویت اسلام در آن ناحیه شده و حتی با مخالفین رسول خدا (ص) جنگیده و شهدایی را هم تقدیم کردند.

فصل اول :

ب؛ ارتباط و تعامل بعد از تشکیل امپراطوری اسلامی

خدمتی که اسلام به ایرانیان نمود به صورت برآوردن یک نیاز مقطعی نبود و بسیار اساسی بود و بیشتر در ایجاد تحول در اندیشه و روح یک ملت بود و موجب ایجاد طرز فکری نو و واقع بینانه شد و جامعه از نظر اخلاقی و تربیتی بهبودی حاصل نمود و سنن و نظامات کهنه و دست و پاگیر را برانداخت. **اسلام به جای عقاید شرک آمیز، ایمان و ایده‌ای عالی به ایرانیان بخشید و هیجان کار، کوشش، دانش طلبی، نیکوکاری و از خود گذشتگی را در جامعه تقویت نمود.** بررسی اوضاع فکری و اعتقادی، اجتماعی، خانواده، اخلاق و سیاست ایران عصر ساسانی و مقایسه آن با بعد از اسلام عمق و عظمت خدمت اسلام به ایران را به روشنی نشان می‌دهد.

نکته مهم اینکه؛ عواملی چون تدریجی بودن گسترش دین اسلام در میان ایرانیان، آشنایی نسبی دو طرف از یکدیگر و برخی تشابهات اعتقادی آئین زردشتی با دین اسلام به اشاعه فرهنگ اسلامی ایرانی کمک زیادی کرد

فصل اول :

شهید مطهری در باره نقش مهم ایران در بالندگی تمدن اسلامی می نویسد:

«ایرانیان بیش از هر ملت دیگری به نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی آن کمک کرده اند. این خدمت شامل همه گونه فعالیت هایی می شود که ایرانیان در طول تاریخ چه از طریق سربازی و فداکاری، چه از طریق مسافرت و بازرگانی و چه از رهگذر کوشش در فراگیری و بسط علوم و فنون اسلامی انجام داده اند و موجب نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی آن در آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، چین، اندونزی، جنوب شرقی آسیا، ماوراء النهر، مغرب و شمال آفریقا، آفریقای جنوبی و ... شده اند»

فصل اول :

از مراکز مهم علمی در عصر ساسانی، **جندی شاپور** را می توان نام برد. جندی شاپور در روزگار خسرو انوشیروان به اوج شکوفایی خود رسید و آکادمی این شهر که **در آن دانش های گوناگون و کهن هندی، یونانی، یهودی، سریانی، مسیحی و ایرانی گرد هم آمده بودند**، بزرگترین نهاد آموزشی جهان آن روزگار شد. جندی شاپور از همان ابتدای تأسیس، مرکزیت علمی پیدا کرد و در آن شماری از کتب یونانی به پهلوی ترجمه شد. علوم در این شهر به زبان پهلوی، یونانی و سانسکریت و سریانی تدریس می گردید.

فصل اول :

این مرکز از بزرگترین مراکز فیلسوفان ایران و یک حوزه دینی بزرگ و از مهمترین مراکز تجمع علمای عیسوی و محل تعلیم طب یونانی و آمیزش آن با طب ایرانی و هندی بود. این مراکز دارای بیمارستان و رصدخانه بود. در بیمارستان آن پزشکان نسطوری ، ایرانی و هندی کار می کردند. این دسته از پزشکان هندی چند اثر هندی را به پهلوی ترجمه نمودند که بعدها به عربی ترجمه شد این مرکز یکی از تکیه گاه های مهمی است که تمدن اسلامی در عصر رشد و بالندگی به آن اعتماد کرده است.

فصل اول :

جندی شاپور پس از فتوحات اسلامی دست کم به **مدت دو قرن**،
کانون علمی شناخته شده در ایران، بود است که **حلقه واسط**
علوم ایرانی، هندی و سریانی و سایر ملل جهان اسلام به بشمار
می آمد.

توفیق چشمگیر ایرانیان در عرصه **دیوانسالاری** و تشکیلات
اداری، ایجاد مناصب مختلف **دیوانی** و همچنین قوام بخشیدن
به ساختار حقوقی، موضوعی است که هرگز از دید فرهنگ و
تمدن نویسان بزرگ جهان مورد غفلت واقع نشده است.

فصل اول :

به دلیل ویژگی های برجسته این دوره می توان آن را «عصر شکل گیری فرهنگ و ادب فارسی - اسلامی» نامید. امتیازات این عصر خلاصه وار عبارت است از:

۱. انتقال سنت علمی و فرهنگ و تمدن ایرانی به جهان اسلام.
۲. نفوذ ادبیات ایرانی بر ادبیات عربی - اسلامی
۳. حضور بی شایبه دانشمندان ایرانی در عرصه توسعه فرهنگ اسلامی
۴. انتقال برخی از علوم یونانی که به زبانهای پهلوی و سریانی ترجمه شده بود به جهان اسلام.
۵. انتقال برخی از جنبه های علوم هندی مثل پزشکی، نجوم و تاریخ طبیعی به تمدن اسلامی.

فصل اول :

ب- مصری (حوزه علمی اسکندریه):

همجواری و ارتباط دیرینه مصر و تمدن یونان موجب شد بسیاری از بزرگان یونانی در مدارس مصری علم آموزی کنند. همین پیوند، تاریخ آموزش مصریان را با نام یونانیان درآمیخت.

بسته شدن مدرسه آتن، موجب رونق مدرسه اسکندریه شد و بدین

رو تمامی اعتبار علمی **آتن** به اسکندریه منتقل گردید. به دلیل

تبحر دانشمندان مصری در **ریاضیات، هندسه، نجوم، طب و**

تشریح، از این پس علوم مرتبط با آن جایگاه دیگری یافت.

فصل اول :

این حوزه تا اواخر قرن اول هجری فعال بود ولی اندکی بعد به انطاکیه منتقل شد. تقریباً همه آثار آن مورد استفاده مترجمان و طبیبان حوزه‌های علمی بعدی بخصوص حوزه علمی بغداد قرار گرفت.

جالب این است که مسیر انتقال علوم مصر هم از طریق مدرسه جندی

شاپور ایران بود چرا که؛ پس از رونق افتادن و یا ویران شدن مدرسه اسکندریه، تمامی میراث علمی آن به سایر مدارس آسیای غربی چون نصیبین، رُها (ادسا یا اورفا) و انطاکیه و از آنجا به جندی شاپور و سپس به «بیت الحکمة» بغداد انتقال یافت.

فصل اول :

از دانشمندان یونانی درس آموخته مصر که آثار علمی وی در تمدن اسلامی مورد توجه مترجمان و عالمان مسلمان قرار گرفت، **ارشمیدس** (۲۱۲ ق.م) است که نظریات علمی وی تحولی عظیم در علم ریاضی ایجاد نمود.

از دیگر سرآمدان مدرسه اسکندریه **هرون** است. شهرت وی به دلیل اختراع ماشین و تألیف کتاب هایی درباره انکسار نور، مکانیک و فشار هواست. کتاب مکانیک او در عصر نهضت ترجمه، به دست قُسطا بن لوقا به عربی برگردان شد.

بطلمیوس (۱۴۰ - ۱۶۰ م) دانشمند نامور یونانی نیز و مُدرس مدرسه آتن و اسکندریه است. کتاب های او در علم ریاضی و نجوم او تحولی عظیم در تاریخ علم بوجود آورد. کتاب مشهور دیگر وی مکیستی است که در برگردان به عربی المجسطی نام گرفت.

فصل اول :

ج- شامی (مرکز علمی سریانی): سُریانی یکی از زبان‌های آرامی است. در آغاز دوره مسیحیت آرامیان در ناحیه وسیعی که شامل سوریه، بین النهرین، شوش و الجزیره می‌شد پراکنده بودند و به زبان‌های مختلف که ریشه آرامی داشت صحبت می‌کردند. این مناطق در محل برخورد دو قدرت آن روز (ایران و روم) قرار داشت و غالباً دست به دست می‌گشته است، لذا از هر دو تمدن تأثیر پذیرفته بود. از شهرهای مهم این بخش رُها، نصیبین، قنسرین و آمِد مشهورتر بودند. شهر «رها» بعدها تبدیل به مرکز تبلیغ مسیحیت شد. انجیل به سریانی نوشته شد و این زبان تبدیل به زبان کلیسا گردید و در شرق فرات انتشار یافت. ایشان برای تمایز از آرامیان غیرمسیحی خود را «سریانی» نامیدند.

فصل اول :

دانشمندان سریانی زبان در عین اثبات اصول معتقدات دینی و مذهبی خود به ترجمه کتب معتبر یونان خاصه ارسطو، افلاطون و افلاطونیان جدید به سریانی توجه بسیار داشته و از کتب پهلوی نیز ترجمه می کرده‌اند. پنج مدرسه فعال در این منطقه، مدارس رُها، نَصیبین، قِنسَرین، آمِد و حرّان بودند. **پس از** ویرانی مدرسه آتن و رونق یافتن مرکز علمی اسکندریه، مسیحیان این مناطق به منظور دست یابی به علوم روزِ منطبق بر دانش کلیسایی، در رونق مراکز علمی شام کوشیدند و در انتقال علوم از سایر نواحی به این مدارس جهدی وافر نمودند.

فصل اول :

در این مراکز علمی، تعلیم و تعلّم **فلسفه** و **طب** با زبان سریانی انجام می گرفت. مدرسه «**رُها**» که در منابع جغرافیایی به نام های «**اِدسا و اورفا**» نیز شهره است، از سایر مدارس سریانی بزرگ تر و پیشرفته تر می شود. این مدرسه از اواخر قرن دوم میلادی آغاز به کار کرد و علومی که در آن تدریس می شد، **فلسفه، خطابه، الهیات، طبیعیات، نجوم و جغرافیا بود.**

دانشمندان و علم آموزان بسیاری از ایران، هند، یونان و همچنین قبطیان مصر در آنجا گرد آمده و به کار ترجمه و تدوین مختلف مشغول بودند.

فصل اول :

پس از انحطاط برخی مدارس سریانی، بسیاری از این پزشکان به دانشگاه جندی شاپور کوچیدند و بعدها نیز در رونق بخشیدن جندی شاپور نقش مهمی را ایفا نمودند. با انجام فتوحات اسلامی در شام و انتخاب دمشق به عنوان مرکز خلافت امویان، بخش هایی از علوم سریانی و یونانی به جهان اسلام انتقال یافت، اما زمانی این انتقال سرعت بیشتری گرفت که عباسیان زمام امور را به دست گرفتند. منتقل شدن مرکزیت خلافت به بغداد از یک سو و تأسیس بیت الحکمه بغداد از دیگر سوی، توجه به ذخایر علمی سریانی و پزشکان نسطوری را افزایش داد. **از میان طبیبان حاذق سریانی کسانی چون خاندان بختیشوع** به دربار عباسیان راه یافتند و در ترجمه و یا انتقال علوم و مواریث سریانی نقش مهمی را بر عهده داشتند.

فصل اول :

د- تمدن هندی: از اگر چه عدم ارتباط مستقیم هند با مرکزیت اسلامی باعث شد انتقال علوم بطور مستقیم صورت نگیرد لیکن بیشتر منابع از تلاش انوشیروان ساسانی و وزیر مقتدرش بزرگمهر (بوذرجمهر) در اسکان دادن دانشمندان هندی در جندی شاپور به تفصیل گزارش دادند. حضور طبیبان هندی در کنار پزشکان نسطوری و ایرانی در جندی شاپور بر اعتبار و رونق آنجا افزود. همین ارتباط و حضور فعال هندیان در جندی شاپور موجب شد، این مرکز علمی کانال انتقال علوم هندی به جهان اسلام قلمداد شود. **ناگفته پیداست مناسبات تجاری فعال هند با یمن و ایران از قدیمی ترین ایام، در تسهیل این مراودات بسیار موثر بود.**

فصل اول :

مهم‌ترین آثار **طبی، ریاضی و نجومی** هندوان در فاصله میان قرن سوم پیش از میلاد و قرن هشتم میلادی به وجود آمد.

آشنایی و تبحر هندیان، بیشتر در طب، هندسه و ریاضیات بود. دستاوردهای طب هندی و گیاه پزشکی در تاریخ علمی جهان جایگاهی ویژه دارد. علاوه بر این علوم، در رصد ستارگان و به طور کلی علم نجوم نیز شهره بودند. **بعدها مجموعه جداول نجومی هندی (زیج) نیز دست مایه ای غنی برای مطالعات ستاره شناسی و نجوم ابوریحان بیرونی شد.** به استناد منابع تاریخی، ابتکار و ابداع **نه رقم اصلی ریاضی** به نام هندیان **ثبت شده است** مسعودی در گزارشی مفصل صفر را نیز از ابداعات هندیان می داند.

فصل اول :

در هر حال آنچه از علوم و فنون هندی به جهان اسلام راه یافت، به جز علم طب و گیاه پزشکی، علوم دیگری چون نجوم، ریاضیات و موسیقی بود. **تبحر هندیان در نجوم، حساب و فن موسیقی ادبیات و حکمت که کتاب ارزشمند کلیله و دمنه اثر جاودان بید پای هندی یکی از آنهاست،** موجب شد، زمینه انتقال این علوم از طریق جندی شاپور به بیت الحکمه عباسیان فراهم آید. در عصر ترجمه، بسیاری از کتاب های نجوم، طب، ریاضیات و ادبیات هندی که به زبان سانسکریت یا پهلوی به عربی ترجمه شد.

فصل اول :

به طور کلی مجموعه اندوخته‌های علمی و فلسفی هند از چند راه وارد عالم اسلام شد:

یکم ؛ تعدادی از آثار هندی به زبان پهلوی راه یافته و در مراکز علمی جندی‌شاپور تدریس می‌شد مانند کلیله و دمنه که در زمان منصور عباسی ترجمه شد.

دوم ؛ برخی آثار هندی به طور مستقیم به وسیله مترجمان آن کشور که به دربار خلفای عباسی راه یافته بودند از زبان سانسکریت به عربی توسط مترجمین هندی مانند «منکه هندی» و «ابن دهن» ترجمه شد.

فصل اول :

سوم ؛ راه دیگر انتقال میراث هندی به وسیله اشخاص

معروفی همچون ابوریحان (متوفی ۴۴۲ ق) بیرونی انجام

شده است که با مسافرت خود به هند حکمت و علوم آن

سرزمین را ترجمه کرده و به دنیای اسلام منتقل کردند.

چهارم ؛ مناسبات تجاری فعال هند با ایران و سایر ممالک

اسلامی نیز در این انتقال نقش به سزائی داشت است .

فصل اول :

ه- تمدن یونانی

تأثیر تمدن یونانی بر تمدن اسلامی قابل انکار نیست. این تأثیر مستقیم و گاه غیرمستقیم بود که تجارت موجود بین اعراب با سرزمین‌هایی چون فلسطین و سوریه باعث پیوستگی فرهنگی بین آنها با تمدن یونانی و رومی گردید و با آغاز فتوحات و ورود مسلمانان به مصر، شام و فلسطین آشنایی مستقیم اعراب مسلمان با مظاهر تمدن یونان صورت پذیرفت. در مرحله بعد با روی کار آمدن امویان و جایگزینی دمشق به جای مدینه به عنوان مرکز خلافت اسلامی بهره‌گیری مسلمانان از مظاهر فرهنگ و تمدن یونانی - رومی و تماس با دانشمندان آنها به طور فزاینده‌ای ادامه یافت به طوری که در همین زمان نوشته‌های یونانی مربوط به علم کیمیا به درخواست خالد بن یزید، شاهزاده اموی، توسط استپان قدیس به عربی ترجمه شد.

فصل اول :

کهن ترین شاخص علمی تمدن یونانی **مدرسه آتن** بود. در این مرکز علمی علوم مختلفی چون فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم، طب، طبیعیات و جغرافیا تدریس می شد.

از آنجا که تعالیم مکاتب یونانی در آتن و اسکندریه براساس علوم فلسفی و ماورایی بود، با چارچوب علم الهی (لاهوت) تطبیق داشت. مهم ترین علمی که در مدرسه های یونانی به ویژه آتن بدان پرداخته می شد، **فلسفه و منطق** بود. بعدها فلسفه که تا زمان افلاطون راه و رسم خاصی داشت، با رهبری ارسطو از لحاظ علوم طبیعی جنبه تخصصی یافت و بعدها در مباحث طب و نجوم و ریاضیات متمرکز شد.

فصل اول :

در جریان نهضت ترجمه، تمدن اسلام و یونان در یک کنش خلاق آگاهانه با یکدیگر قرار گرفتند و آثار فرهنگ و تمدن یونان به عربی برگردانده شد و در این میان ترجمه کتاب‌های پزشکی، ریاضی، نجوم، فلسفه و گیاه‌پزشکی حائز اهمیت است. به ویژه در نجوم و پزشکی که نظرات بطلمیوس، بقراط، جالینوس و اهرن از منجمین و اطبای یونان در گذر زمان راهنمای مشتاقان این علوم گردید.

فصل اول :

در این جا باید این نکته یادآوری شد. هر چند که تمدن اسلامی از دست آوردهای دیگر تمدن‌ها استفاده کرد ولی تقلیدکننده و ادامه‌دهنده محض نبود بلکه ترکیب‌کننده و مکمل نیز بود. و بنابر اصول، پایه‌ها و مبانی خود که برگرفته از قرآن و سنت بود قرائت جدیدی از فرهنگ و تمدن ارائه داد. یعنی به نقد آنها پرداخت و به رفع نقاط منفی و جذب نقاط مثبت تمدن‌های دیگر همت وافر گماشت.

فصل اول :

پنجم؛ مراکز علمی در تمدن اسلامی

با استقرار نظام اسلامی به تدریج مراکز و نهادهای آموزشی متعددی به وجود آمد. از جمله‌ی این مراکز می‌توان به مسجد، کتابخانه، بیت‌الحکمه، بیمارستان، رصدخانه و مدارس اشاره کرد.

الف) بیت‌الحکمه (کتابخانه حکومتی): محل اجتماع دانشمندان و

پژوهشگران و مترجمان شایسته برای ترجمه کتب به دستور

هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ه.ق) در بغداد پایه ریزی و **توسط**

مامون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق) توسعه یافت، او ۱۰۰ بار شتر، کتاب

برای ترجمه از روم برای بیت‌الحکمه خریداری کرد.

فصل اول :

با استقرار نظام نوبنیاد اسلامی نهادهای آموزشی به تدریج به وجود آمدند یکی از نخستین مراکزی که به منظور گسترش علوم و فنون تأسیس شد ، «بیت الحکمه» نام داشت که در بغداد ساخته شد. **این مرکز که به هزینه خزانة دولتی یا بیت المال اداره می شد، محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و به ویژه مترجمان شایسته‌ای بود که کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه می کردند. اساس بیت الحکمه که نخستین کتابخانه مسلمانان در بغداد بود، توسط هارون الرشید پایه‌ریزی شد.** البته پیش از او منصور عباسی که از زمان وی کار ترجمه آغاز شده بود دستور داد کتاب‌هایی از زبان‌های دیگر به عربی ترجمه کنند و همین کتاب‌ها پایه‌ی بیت الحکمه گردید.

فصل اول :

اما اوج شکوفایی بیت‌الحکمه در دوره‌ی خلافت مأمون
(۱۹۸-۲۱۸ هـ ق) بود؛ چرا که به امر وی جمعی مترجمان
متبحر در بیت‌الحکمه گرد آمدند و به کار ترجمه مشغول
شدند. مأمون برای بدست آوردن منابع یونانی بعد از غلبه بر
امپراطوری روم از شرایط صلح، اخذ یک نسخه از تمام کتب
یونانی را قرار داد بدین ترتیب مسلمانان به منابع علمی عظیمی
دست یافتند.

فصل اول :

مسئله مهم و قابل ذکر که در نهضت ترجمه و بیت‌الحکمه دیده می‌شود تلاش و کوشش مترجمین هر قوم در ترجمه آثار خود به زبان عربی است؛ بدین معنی که هر یک از اقوام مختلف سعی می‌کردند آراء و عقاید خود را زودتر از دیگری در میان مسلمانان رایج سازند و همین رقابت موجبات تسریع ترجمه‌ها را در جامعه اسلامی فراهم می‌ساخت. بسیاری از استادان بیت‌الحکمه و مترجمان آن از دانشمندان بزرگ زمان خود به شمار می‌آمدند. مثلاً ابویوسف یعقوب کندی، علاوه بر ترجمه کتاب‌های فراوان، بیش از ۲۶۵ کتاب و رساله نیز در موضوعات منزلت در هر یک از علوم تألیف کرد و تنها به ترجمه صرف نپرداخت.

فصل اول :

همچنین خاندان‌های معروف علمی آن زمان مانند آل بُختیشوع،
خاندان نوبختی و شخصیت‌های چون حنین بن اسحاق،
ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، علی بن زیاد، ابن مقفع،
حسن بن سهل را می‌توان نام برد که در کار ترجمه تلاش‌های
بسیاری کردند.

نتیجه کار بیت‌الحکمه شناخت علوم توسط مسلمین و گسترش و
تحقیق بیشتر در زمینه آثار و تألیفات علمی گذشته بود که خود
یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تمدن اسلامی به حساب
می‌آمد.

فصل اول :

(ب) دارالعلم‌ها: بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که دارالعلم‌ها مؤسساتی وقفی، چندمنظوره و تقریباً رسمی و ایجاد شده به شکل کتابخانه‌ای عمومی در مکانی مستقل بودند که با تأکید بر علوم و آموزش‌های مذهبی و تشکیل مجالس بحث و مناظره تأسیس گردیدند. استادان و دانشجویان در مکانهای تعیین شده ساکن می‌شدند و از خدماتی نظیر دریافت مقرری بهره‌مند می‌شدند. این مجموعه در حقیقت از یک یا چند تالار، یک کتابخانه و اتاق‌های دیگر با موارد استفاده‌ی مختلف تشکیل شده بود که دارای ویژگی‌های خاصی بود.

فصل اول :

مهمترین ویژگی دارالعلم ها علاوه بر **شیعی** بودن عبارت بود از:

یک ؛ وقفی بودن آنها.

دوم ؛ استقرارشان در مکانی خاص و مستقل.

سوم ؛ عمومی بودن کتابخانه‌ی آنها .

چهارم ؛ برگزاری جلسات بحث و درسی و مناظره در محل آنها.

پنجم ؛ برخورداری از فضایی برای اسکان استادان و دانشجویان.

ششم ؛ اشتغال به کار استنساخ و پژوهش در آنها.

فصل اول :

این مؤسسات در سده‌ی چهارم و پنجم (۳۳۴ - ۴۴۷) در پی نفوذ آل‌بویه در دستگاه خلافت و به قدرت رسیدن شیعیان به وجود آمد. زیرا در آن زمان به وجود کتابخانه‌های عمومی و مؤسساتی برای تبلیغ و ترویج علوم مختلف ویژه معارف شیعی به شدت احساس می‌شد. شیعیان در پی امنیت و آسایش به دست آمده از به قدرت رسیدن آل‌بویه، دارالعلم‌ها را به عنوان مؤسساتی چند منظوره و به معنای واقعی کلمه «عمومی» به وجود آوردند.

در حقیقت در اوج درخشش تمدن اسلامی در ایران با حاکمیت یافتن آل‌بویه و نفوذ آنان در خلافت دارالعلم‌ها برپا شد.

فصل اول : (ج) نظامیه ها:

در کنار مدارس خصوصی نوع دیگر مدارس، **مدارس دولتی** بودند که در دوران نفوذ ترکان سلجوقی (۴۴۷-۶۵۶ ه.ق) شکل گرفتند برنامه های درسی و نیز هزینه های این مدارس از سوی دستگاه خلافت تعیین می گشت. **افتخار تأسیس این مدارس نیز از آن ایرانیان است خواجه نظام الملک طوسی (۴۸۵ ه.ق) نخستین کسی بود که مدارس یا نهادهای آموزشی عالی را در سراسر قلمرو سلجوقیان برآورد که به سبب انتساب به خواجه نظام الملک به «نظامیه» مشهور شدند.**

فصل اول :

از نظر استاد غنیمه نقش دولت سلجوقی در تاسیس نظامیه ها از دو جهت مهم بود :

نخست اینکه : سلجوقیان در زمره هواداران و **نگاهبانان خلافت عباسی**

درآمدند و پس از اشغال بغداد در سال ۴۵۱ هجری قمری توسط نیروهای طغرل بک و کشتن ارسلان بساسیری، ترکان سنی مذهب سلجوقی جانشین بویه‌یان شیعی مذهب در بغداد مقرر خلافت عباسیان شدند و پس از طغرل (۴۲۹ - ۴۵۵ هـ.ق) و برادر زاده وی آلپ ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ هـ.ق) آن قسمت از قلمرو خلفای عباسی را که تا دمشق به دست فاطمیان مصر افتاده بود از دست آنان خارج ساخت.

فصل اول :

دوم اینکه : سیاست مذهبی سلجوقیان به طور کلی بر اساس تقویت و

پشتیبانی از اهل سنت و از بین بردن جنبش های شیعی اعم از اسماعیلی و اثنی عشری، استوار بود. طبیعی است که اتخاذ روش های تعلیماتی و برنامه های آموزشی از بزرگترین عوامل موثر و دست آویزی بود که می توانست در مبارزه علیه تبلیغات شیعی به کار آید و در حقیقت استفاده از این روش برای محو آثار و انگیزه های شیعی و معتزلی که تقریباً در طول دو قرن سوم و چهارم خاموشی و خفقان مذاهب اهل سنت را موجب گردیده بود امری جدی و ناگزیر می نمود

فصل اول :

اقدامات مهم خواجه نظام الملک تثبیت اهل سنت شافعی

یکم ؛ خواجه نظام الملک طوسی **نخستین فردی بود که**

تاسیس مدارس را جزو برنامه ها و وظایف دولت قرار

داد و این روش او مورد تقلید و پیروی همه دولت های

اسلامی قرار گرفت که در دوره های پس از وی در

قلمرو اسلام به قدرت رسیدند.

فصل اول :

دوم؛ خواجه نظام الملک نخستین کسی بود که پراکندگان سنی

مذهب از فرقه شافعی و اهل حدیث و اشعری مذهبان را فرا

خواند و بنیانی را که بر اثر طغیان مذاهب مخالف چون معتزله

و شیعه و فرقه های متعدد و جمعیت های سری و علنی آنان

در شرف محو و نابودی بود همه را متحد و یکپارچه ساخت و

انان را در جبهه واحدی بر علیه مذاهب مخالف بسیج کرد.

فصل اول :

سوم ؛ نظام الملک نخستین کسی بود که مذهب شافعی را به

عنوان مذهب رسمی و مورد قبول خلافت عباسی در عراق و

قسمت شرقی اسلام رواج داد و نسبت به تاسیس مدارس

شافعیه برای ترویج و تحکیم مبانی این مذهب قیام کرد در

صورتی که تا پیش از این اقدامات اساسی، مذهب برتر

همان مذهب حنفی بود. «

فصل اول :

مهمترین و بزرگترین مدارس نظام الملکی مدرسه نظامیه بغداد بوده است که بنای آن در سال ۴۵۷ هـ ق آغاز شد و در ۴۵۹ هـ ق به پایان رسید و در مراسم گشایش آن جشن بزرگی برپا گردید. خواجه بزرگترین استادان و فقه شافعی آن زمان را مامور تدریس در این مدرسه کرد. در باب انگیزه‌های دقیق خواجه در برآوردن این مدارس یا نهادهای آموزش عالی مباحث مختلفی مطرح شده است، اما آنچه مسلم است خواجه در این امر **دو هدف مهم** را دنبال می‌کرد:

فصل اول :

نخست؛ هدف مذهبی: هدف اصلی وی ریشه‌ی مذهبی داشت به این صورت که در نظر داشت تا با ایجاد این مدارس به **تقویت مذهب شافعی در برابر دیگر مذاهب اهل تسنن به خصوص مذهب ابوحنیفه** که در دوره‌ی وزیر پیشین عمیدالملک کندی مورد توجه و از رونق کافی برخوردار بود، بپردازد و از سوی دیگر جهت مقابله با تبلیغات و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی شیعیان و اسماعیلیان تصمیم گرفت مدرسه‌هایی در شهرهای مهم مانند ، **فارس و بغداد و بلخ و نیشابور و هرات و اصفهان و بصره و مرو و آمل و موصل** ایجاد کرد و این کار را تا آنجا ادامه داد که گویند در هر شهری از شهرهای عراق و خراسان مدرسه‌ای تاسیس کرد.

فصل اول :

دوم؛ هدف سیاسی: نظام‌الملک قصد داشت تا با ایجاد شبکه‌ای از این نهادهای آموزشی که به شخص او وابسته است مقاصد سیاسی خود را پیش برد. **زیرا امپراطوری سلجوقی به کارکنانی معتمد و منشیان و دبیران برجسته نیاز داشت.** او در هر یک از شهرهای مهم عراق و ایران مدرسه‌ای برآورد. علاوه بر این در دیگر شهرهای بزرگ چون اصفهان، نیشابور، بلخ و هرات نیز نظامیه ساخت این مدارس درحقیقت دانشگاه‌های علمی و حقوقی جهان اسلام است که سرمشق دانشگاه‌های بعدی جهان اسلام و اروپای قرون وسطی گردید.

((فصل دوم))

علل شکوفایی تمدن اسلامی

* ز : نهضت ترجمه

فصل دوم :

ششم ؛ نهضت ترجمه

پس از گذشت دوران فتوحات و فروکش کردن حملات مسلمانان به دیگر سرزمین‌ها و ثبات یافتن حکومت اسلامی، برای اولین بار شاهد ظهور «**نهضت ترجمه**» از حیث تمدنی و فرهنگی تاریخ اسلام هستیم. اگرچه ترجمه در این عصر در مقایسه با قرون بعدی، از حیث محتوا، ابتدایی و ضعیف است اما این عصر نقطه شروع ترجمه در شرق و غرب جهان اسلام محسوب می‌شود.

فصل دوم :

نهضت ترجمه مسلمانان در قرن نخستین اسلامی

دوره امویان

بنابر قول مشهور، نخستین ترجمه عهد اموی به **خالد بن یزید بن معاویه (۱۰۲ ه. ق)** اختصاص دارد. خالد به دلیل علاقه بسیار به علم و دانش، **حکیم آل مروان** نام گرفت و با پشتکار فراوان به فراگرفتن علم کیمیا (شیمی) پرداخت و به ترجمه متون علمی از زبان یونانی و قبطی به عربی توجهی ویژه مبذول داشت.

فصل دوم :

نهضت ترجمه در (شرق جهان اسلام) عصر عباسیان

اگرچه بنیان گذار خلافت عباسیان، ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ ه.ق) به دلایل متعدد هم چون دشواری های عصر استقرار، مقابله با مخالفان و معارضان حکومت نوحاسته، و کوتاهی عمر خلافتش، هرگز نتوانست به علوم توجهی شایسته مبذول دارد، اما برادر او منصور (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق) با بنای شهر بغداد و انتقال مرکز خلافت به آن جا، دولتی قدرتمند و کارآمد تشکیل داد. علاقه و اعتقاد بیش از حد منصور به تنجیم و احکام ستارگان و طالع بینی موجب شده بود تا بدون اجازه منجمان به کاری دست نیازد. از این رو سرآمدان از منجمان و ستاره شناسان را از ایران و هند به دربار فراخواند.

فصل دوم :

علاقه و اشتیاق فراوان منصور به کسب معارف جدید، او را متوجه مرزهای خارجی خلافت نمود. از این رو، **با اعزام هیات هایی** **بلندپایه به دربار قیصر روم شرقی، از او خواست تا کتاب ها و متون** **قدیمی یونانی را برای وی بفرستد.** رومیان هم کتاب اقلیدس و برخی آثار علوم طبیعی و شاید کتاب مجسطی بطلمیوس را به دربار خلافت اسلامی ارسال نمودند و به این ترتیب نهضت ترجمه آغاز شد و دوران مختلفی را پشت سر گذاشت.

فصل دوم :

دوره های نهضت ترجمه در عهد عباسی

بیشتر محققان، سیر تحول نهضت علمی عصر عباسیان را به سه دوره تقسیم نموده اند. در میان این سه دوره، تنها عصر مامون عباسی بود که به اعتقاد تمام محققان به دلیل ویژگی های خاص خود، به «عصر طلایی» اسلام موسوم گشته است. عصری که در آن جهشی عظیم برای انتقال علوم از دیگر ممالک به جهان اسلام صورت گرفت و بخش عظیمی از آثار مکتوب پیشینیان به زبان های سریانی و عربی ترجمه، شرح و تفسیر گردید.

فصل دوم :

دوره نخست: از خلافت منصور (۱۳۶-۵۱۵۸ ه. ق) آغاز و به وفات **هارون الرشید** (از سال ۱۳۶ تا ۱۹۳ ه. ق) ختم می شود. با توجه به شرایط خاص این دوره می توان ادعا نمود که نخستین گام های گسترده نهضت ترجمه در این عصر برداشته شد. **یکی از ویژگی های این عصر حضور بی شائبه پزشکان، منجمان و برخی ادیبان در دربار خلافت اسلامی و توجه بیش از پیش خلفا به نجوم، پزشکی، سیاست، قصص و سیر است.** از این رو غالب آثاری که در این دوره ترجمه شده اند، مربوط به علم نجوم، پزشکی و سیرالملوک بود. در این میان، کتاب های بقراط، جالینوس و آثار هندی و ایرانی بسیاری به عربی ترجمه گردید.

فصل دوم :

دوره دوم: این دوره طولانی با خلافت مامون (۱۹۸-۲۱۸) آغاز و به اوایل خلافت مقتدر (۲۹۵-۳۲۰) ختم می شود یعنی دقیقا از سال ۱۹۸ تا سال ۳۰۰ هجری قمری ؛ دوره ای که **برخی محققان تمامی این دوره را «عصر طلایی» نامیده اند**، در حالی که با توجه به برخی قرائن تاریخی، پس از خلافت مامون و با روی کار آمدن برخی خلفای بی تدبیر و بی توجه به علوم چون معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ه.ق) و واثق (۲۳۲-۲۲۷ ه.ق)، نشانه های ضعف دولت عباسی و البته نهضت ترجمه نمودار شده بوده که بعد با حاکمیت متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ه.ق) بار دیگر شدت گرفته است.

فصل دوم :

همانطور که گفته شد دوره دوم که اوج نهضت ترجمه و تدوین را در بر می گیرد و تقریباً **یکصد سال** (از ۱۹۳ تا ۳۰۰ هجری) بطول انجامید دارای بیشترین تاثیر گذاری بر عرصه علم و فرهنگ و هنر اسلامی بوده است ؛ از ویژگی های این دوره توجه خاص حکومت به علوم **عقلی و مباحث کلامی و «معتزلی» است**. حضور فعال و پر نشاط صاحبان اندیشه، مجالس گسترده و دائمی خطابه، مناظره و مباحث علمی را به دنبال داشته و گرمابخش محافل علمی به ویژه بغداد بود. جانب داری و حمایت خلیفه از برپایی چنین مجالسی بر رونق مباحثه و مناظره می افزود.

فصل دوم :

سیاست‌های خاص مأمون به همراه ویژگی‌هایی چون خوش فکری، گشاده دستی، دوراندیشی، علم دوستی، فرهنگ پروری، تحمل آرای مخالف، تسامح در پذیرش افکار دیگران و برخورداری از وزرای بلند همت و روشن اندیش از جمله آموزه‌های او از محضر علی بن موسی الرضا (ع)، دوره ای درخشان برای نهضت ترجمه رقم زد که نتیجه آن جمع آوری کتاب از اقصی نقاط جهان، حضور مترجمان خبره و کارآمد در دربار و سیل مهاجرت پزشکان، متکلمان، ادیبان ایرانی، هندی، سریانی، مصری و رومی به مرکز خلافت و شکوفایی و رونق جدی «بیت الحکمه» برای حفظ و نگهداری این آثار و اندیشمندان بود.

فصل دوم :

«بیت الحکمه» در عصر مأمون با بذل عنایت ویژه و تلاش صاحبان اندیشه به عنوان نخستین فرهنگستان بزرگ علمی درآمد و این فرهنگستان با حضور منجمان، پزشکان، متکلمان و مترجمان برجسته ای چون **حنین بن اسحاق**، **ابویعقوب بن اسحاق کندی** ملقب به فیلسوف عرب که نخستین مدرسه فلسفه را در قرن دوم هجری در بغداد دایر کرد، جیش بن حسن اعسم نصرانی خواهر زاده حنین که به عنوان پایه گذار داروسازی در اسلام شهره است، یوحنا بن بطریق که مدت ها رئیس دارالترجمه مأمون بود، عیسی بن یحیی بن ابراهیم از شاگردان مکتب حنین بن اسحاق، **خاندان خوارزمی** یعنی برادران محمد، احمد و حسن که مشهور به بنی المنجم هستند، **ماشالله یهودی**، و غیره دامنه گسترده ای یافت.

فصل دوم :

دوره سوم: از سال ۳۰۰ هجری تا نیمه اول قرن چهارم، عصر افول نهضت علمی مسلمانان به شمار می آید. **بی توجهی خلفا به علوم عقلی، از یک سو و ضعف عمده دستگاه خلافت اسلامی و رقابت نخبگان سیاسی، از سوی دیگر، موجبات اصلی این رکود و افول را فراهم آورد. به دنبال کم سو شدن اختردارالعلم بغداد، دامنه جریان نهضت علمی به سایر ممالک تابعه خلافت اسلامی کشیده شد و با کم رنگ شدن نقش فرهنگی بیت الحکمه و مهاجرت سرآمدان علم و دانش به دیگر نقاط، رونق دیرینه بیت الحکمه به سایر مراکز علمی جهان اسلام (مصر، ایران، اندلس) منتقل شد.**

فصل دوم :

نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام (اندلس) مرحله نهایی بذر نهضت علمی

ای را که خلفای عباسی بغداد افکندند و در خراسان، ری، خوزستان، آذربایجان،

ماوراءالنهر، مصر، شام و اندلس به بار نشست در اندلس به شکوفایی نهایی خود

رسید. در خلال کشتار امویان، عبدالرحمن بن معاویه بن هشام، امیر اموی، در سال

۱۳۶ هجری به اندلس گریخت و به یاری قبایل عرب ساکن آن جا، دولت مستقلی را

تشکیل داد. اخلاف وی سال ها حکومت قدرتمند امویان را در اندلس اداره کردند، تا

این که حکومت به عبدالرحمن بن محمد (عبدالرحمن ناصر سوم) رسید. وی در سال

۳۰۰ هجری لقب امیرالمؤمنین بر خود نهاد و به مدت پنجاه سال حکومت

امویان را در اندلس با اقتدار اداره نمود. این در حالی بود که عباسیان مشرق

زمین به دلیل سیطره ترکان و کشمکش های داخلی در ضعف و انحطاط به سر

می بردند.

فصل دوم :

با وجود پیشینه درخشان تاریخی و علمی مغرب نشینان و تسلط آنان بر ذخائر یونانیان، به صراحت می توان گفت که بیشتر منابع علوم اصلی، ابتدا در بغداد تکمیل شد و سپس به اندلس منتقل گردید؛ از جمله موسیقی، طب، شعر و ادب و حتی فقه به طریق مختلف از دارالعلم بغداد به قبه الاسلام قرطبه راه یافته است، چنان که حتی یهودیان اندلس مسایل فقهی را از یهودیان بغداد استخراج می کردند. اما فلسفه و ستاره شناسی نزد اهل اندلس اقبالی نیافت. این بی توجهی به حدی بود که گاه کسی را که به فلسفه یا نجوم اهتمام یا علاقه ای داشت، «زندیق» می نامیدند.

فصل دوم :

کتابخانه ها اندلس در این دوره از مهم ترین و بهترین گنجینه هایی بودند که نادرترین متون کهن در آن جا نگهداری می شد؛ **برای نمونه، تنها در غرناطه حدود هفتاد کتابخانه عمومی وجود داشت.** در مرکز خلافت اسلامی اندلس، یعنی قُرطَبه، نیز کتابخانه ها و گنجینه های عظیم آثار فرهنگی راه اندازی شده بود که در کنار آن هزاران دانشمند و هنرور نَسّاح، خطاط و جلدساز یونانی و اموی فعالانه تلاش می کردند.

فصل دوم :

با مقایسه خلفای اموی اندلس و عباسیان، به جرات می توان ادعا نمود که از لحاظ فرهنگی و جهش علمی، قُرطبه همسنگ بغداد بوده است. اگر خلیفه ای چون هارون در بغداد خوش درخشید و اقبال عباسیان را برکشید، **خلیفه الناصر نیز در قرطبه عصری زرین را پایه گذاشت و فرزندش الحکم المستنصر (۳۶۶هـ. ق) همچون مامون، با عشق ورزیدن به علم و تکریم علما، موجبات رونق علمی دارالاسلام قرطبه را فراهم آورد.**

فصل دوم :

پس از سقوط خاندان اموی اندلس (۳۱۲ هـ . ق) مدت ها این دیار دچار بی سامانی شد و سراسر آن را کشمش و آتش جنگ و ستیز فرا گرفت. در گوشه و کنار آن، هر سرجنبانی به سرکشی برخاست و بدین ترتیب عصر سیطره «ملوک الطوایف» آغاز شد. نخستین بازتاب این شرایط رخت بربستن امنیت و آرامش از اندلس بود و با سست بنیان شدن دولت اسلامی، مجد و عظمت آن در سراسر زوال و نیستی قرار گرفت .

فصل دوم :

عوامل افول نهضت ترجمه ؛ سرانجام این نهضت پس از دو قرن کار جدی رو

به افول نهاد، گذشته از ضعف و فساد دستگاه خلافت عباسی و فروپاشی

سیاسی، اجتماعی و اخلاقی حاکمان اسلامی اندلس، علت اصلی پایان

نهضت ترجمه و افول جدی آن را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف؛ در عدم وجود مطالب تازه در سرزمین های دیگر

ب؛ وجود دانش بالاتر و وسیعتر در میان مسلمین در تمامی رشته های

علمی آن روز از سطوح آثار ترجمه شده تمدن های غربی و شرقی،

فصل دوم :

دلایل توجه مسلمانان به ترجمه

بی تردید عوامل بسیاری مسلمانان را به ترجمه کتاب ها و متون کهن علمی ترغیب و تشویق نمود که در یک دسته بندی کلی می توان، آن ها را به دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم نمود:

الف – عوامل درونی:

نخست ؛ تاکید قرآن به علم، دانش، خرد و خردورزی.

دوم ؛ توصیه های مؤکد پیامبر(ص) مبنی بر کسب علم و علم اندوزی

حتی از کافران یا از دورترین مکان ها.

فصل دوم :

سوم ؛ نیاز خلفا به علمی چون پزشکی، برای گریز از بیماری و ریاضی، حساب و هندسه برای رسیدگی به دفاتر مالیاتی، گرداندن امور مالی حکومت، مساحی مناطق تحت سلطه و اخذ خراج و جزیه ؛ اعتقاد خلفا به تنجیم، طالع بینی .

چهارم ؛ سیاست مذهبی خلفا، بویژه اعطای نوعی آزاد اندیشی و شاید سهل گیری در ارتباط با اهل ذمه، حضور اندیشمندان سایر مذاهب را در دربار خلافت اسلامی به دنبال داشت، که این مساله **رهایی مسلمانان از قیود تقلید و جهل کورکورانه** و تعصبات نابجا و استفاده از وزیران شیعی و سنی، مشاوران زرتشتی و هندی موجب شد تا حرکت علمی، سرعت و نشاطی وصف ناپذیر یابد.

فصل دوم :

پنجم ؛ در جریان **رفت و آمدهای تجاری** و حتی علمی به نواحی دور دست چون مصر، یمن و جندی شاپور که سابقه ای طولانی در علم و معرفت داشتند.

ششم ؛ **تکریم دانشمندان**، محققان، ادیبان و مبالغه در بزرگداشت آنان به همراه مجالست نزدیک با آن ها، در کنار سیاست گشاده دستی و بخشندگی خلفا در پرداخت هدایا و مقرری های بسیار به آنها .

هفتم ؛ تقویت فرق گذشته و ظهور نحله های جدید، **بویژه اوج فعالیت** **فرقه معتزله و گرایش خلفا به آن در این عصر**، به گرم تر شدن مجالس مناظرات علمی و یا ترجمه کتاب های حکمت و فلسفه انجامید.

فصل دوم :

ب - عوامل بیرونی:

یکم : فتوحات اسلامی و رویارویی مسلمانان با تمدن های مختلف.

دوم : انتقال مرکز خلافت از شام به بغداد و تاثیر عظیم فرهنگ ایرانی بر دربار خلافت اسلامی.

سوم : نزدیکی بغداد به دارالعلم جندی شاپور و انتقال بسیاری از علوم و شارحان و دانشمندان آن به بغداد.

چهارم : ارتباط تنگاتنگ رونق اقتصادی، رفاه اجتماعی، آرامش سیاسی با علم اندوزی و توجه به معارف جدید.

فصل دوم :

پنجم ؛ مهاجرت اهل ذمه به پایتخت خلافت اسلامی و انتقال

علوم و معارف سرزمین های متبوع، به مرکز حکومت .

ششم ؛ حضور اندیشمندان با گرایش های مذهبی و ملیت های

مختلف در دربار عباسیان، به واسطه تسامح و تساهل فرهنگی

و مذهبی خلفا و وزرای آن ها.

هفتم ؛ حضور فعال نخبگان علم دوست ایرانی بویژه دانشمندان

اهل مرو در دربار عباسیان.

درخت زندگی شما عزیزان همیشه سرسبز

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

صلوات



FINAL